مختصری از احکام نوزاد

و فرهنگ نام‌ها

**تألیف:**

**شیخ موسی بازماندگان**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | مختصری از احکام نوزاد و فرهنگ نام‌ها |
| **نویسنده:**  | شیخ موسی بازماندگان |
| **موضوع:** | احوال شخصیه (نکاح، طلاق، جنایز...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[مختصری از احکام نوزاد 1](#_Toc423597646)

[دعای طلب فرزند 1](#_Toc423597647)

[دعای تبریک و تهنیت 2](#_Toc423597648)

[اذان گفتن در گوش نوزاد 3](#_Toc423597649)

[تحنیک 3](#_Toc423597650)

[تراشیدن سر نوزاد 4](#_Toc423597651)

[احکام عقیقه نوزاد 5](#_Toc423597652)

[نکاتی مهم در مورد عقیقه 6](#_Toc423597653)

[ختنه 7](#_Toc423597654)

[نام‌گذاری نوزاد 9](#_Toc423597655)

[اسم‌های محبوب 9](#_Toc423597656)

[اسم‌های حرام 10](#_Toc423597657)

[اسم‌های مکروه 11](#_Toc423597658)

[اسامی پیامبران ذکرشده در قرآن 12](#_Toc423597659)

[نام‌گذاری به نام فرشتگان 12](#_Toc423597660)

[نکاتی مهم در نام‌گذاری 13](#_Toc423597661)

[دعای تعويذ كودک 14](#_Toc423597662)

[پیوست‌ها 15](#_Toc423597663)

[پیوست 1: ماده 12 قانون ثبت احوال کشور (ایران) در خصوص ثبت ولادت 15](#_Toc423597664)

[مدارک مورد نیاز: 15](#_Toc423597665)

[نامگذاری: 16](#_Toc423597666)

[نحوه مراجعه و دریافت شناسنامه: 16](#_Toc423597667)

[توصیه‌های ضروری: 16](#_Toc423597668)

[تعاریف و مفاهیم: 17](#_Toc423597669)

[سند: 17](#_Toc423597670)

[شناسنامه: 18](#_Toc423597671)

[سؤالات انتقادات و پیشنهادات 18](#_Toc423597672)

[پیوست 2: نام‌های پسران و دختران 18](#_Toc423597673)

[نام‌های پسران: 18](#_Toc423597674)

[نام‌های دختران: 42](#_Toc423597675)

مختصری از احکام نوزاد

مقاله حاضر خلاصه‌ای است از احکام نوزاد که از منابع و مراجع اسلامی جمع‌آوری نموده‌ام تا پدران و مادران دلسوز و مؤمنی که از بدو ‌تولد به فرزندانشان اهمیت می‌دهند؛ بتوانند یک سری احکام وارد شده و بر‌گرفته شده از احادیث صحیح رسول الله ج را اجرا کنند.

بعضی از احکام بعد از ‌تولد نوزاد فوراً انجام می‌گیرد، همانند: اذان گفتن در گوش نوزاد و تحنیک، بعضی از احکام هم در روز هفتم، که عبارتند: از عقیقه، تراشیدن سر، نام‌گذاری و ختنه.

دعای طلب فرزند

﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤﴾ [الفرقان: 74].

«پروردگارا همسران و فرزندانی به ما عطا فرما که باعث روشنی چشمان‌مان گردند و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠٠ فَبَشَّرۡنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ ١٠١﴾ [الصافات: 100-101].

«پروردگارا، فرزندان شایسته‎ای به من عطا کن».

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨﴾ [آل عمران: 38].

«پروردگارا فرزند شایسته‌ای از جانب خویش به من عطا فرما بی‌گمان تو شنونده‌ی دعائی».

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٥﴾ [الأحقاف: 15].

«پروردگارا به من توفیق عطا فرما تا شکر نعمتی را بجای آورم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، و کارهای نیکوئی را انجام دهم که می‌پسندی و مایه‌ خوشنودی تو است و فرزندانم را صالح گردان و صلاح و نیکوئی را در میان نسلم تداوم بخش، من به سوی تو توبه می‌کنم و من از زمره‌ی مسلمانان و تسلیم شدگان فرمان خدا هستم».

دعای تبریک و تهنیت

حسن بصری هنگامی که نوزادی متولد می‌گردید به آن‌ها چنین تبریک می‌گفت: «جَعَلَهُ اللهُ مُبارَكاً عَليكَ وعَلی أمَةِ ‌محَمّد ج».

امام نووی در اذکار این دعا را نیز نقل کرده است: «بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي الْـمَوْهُوبِ لَكَ، وَشَكَرْتَ الْوَاهِبَ، وَبَلَغَ أَشُدَّهُ، وَرُزِقْتَ بِرَّهُ».

خداوند در آنچه به تو عنایت کرده برکت اندازد و بخشنده را شکرگزار باش و نوزاد را کمال قدرت دهد و از نیکی و فضل خدا بهره‌مند شدی.

و او در جواب می‎گوید: «بَارَكَ اللهُ لَكَ وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَزَاكَ اللهُ خَيْراً، وَرَزَقَكَ اللهُ مِثْلَه، وَأَجْزِلَ ثَوَابَكَ».

شخص مقابل می‎گوید: برکت خداوندی بر تو و برای تو باد! خداوند به تو پاداش نیک عطا فرماید و همانند این، روزی و نصیبت نماید و ثوابت را افزون فرماید!

اذان گفتن در گوش نوزاد

از مستحبات شرع بعد از تولد، گفتن اذان در گوش نوزاد است.

عَنْ أَبِي رَافِعٍ ج قَالَ: «رأيتُ رَسُولَ اللهِ ج أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْـحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ».

از ابو رافعس روایت است که گفت: «پیامبر ج را دیدم که زمان تولد حسن بن علی در گوشش اذانی همانند اذان نماز گفت».

حکمت گفتن اذان این است که نخستین ندایی که گوش را می‎نوازد، واژه‎های بلند مرتبه‌ی‎ اذان باشد، که در بر گیرنده وصف عظمت و اقتدار پروردگار است. همان طوری که کلمه‎ی توحید در هنگام خروج از دنیا به او یادآوری می‎شود. از دیگر فواید اذان فرار شیطان از کلمات اذان است.

امروزه که مادران جهت وضع حمل به بیمارستان یا زایشگاه مراجعه می‎کنند اذان گفتن در گوش نوزاد به باد فراموشی سپرده شده است. پرستارها و ماماها هم مجالی برای این کار نیافته یا اهمیتی به آن نمی‎دهند. این‌جاست که خود والدین باید به این قضیه اهمیت دهند و به آن جامه‎ عمل بپوشانند.

درباره اقامه گفتن در گوش چپ، هیچ دلیل صحیحی وجود ندارد، ولی بعضی از علما قیاس بر اذان، اقامه گفتن در گوش چپ را کاری شایسته می‎دانند.

تحنیک

تحنیک، عبارت است از جویدن و نرم کردن خرما و گذاشتن مقدار کمی از آن با انگشت در سقف دهان (کام) نوزاد. بهتر است انسان صالحی فوراً بعد از تولد، عهده‎دار این عمل باشد.

عَن أبي موسىس قَالَ: «وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَاَتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ ج فَسَمَّاهُ إبْرَاهِيمَ وَحَنَّكَهُ بِتَمْرَةٍ وَدَعَا لَهُ بِالْبَرَكَةِ وَدَفَعَهُ إلَيَّ وَكَانَ أكبَرَ وَلَدِي».

ابوموسی اشعری می‎گوید: «فرزندی برایم متولد شد. او را به خدمت رسول الله ج آوردم. پیامبر ج او را ابراهیم نام‌گذاری نموده و با خرما او را تحنیک کردند. و برایش دعای خیر و برکت نموده و نوزاد را به من تحویل دادند. او بزرگ‌ترین فرزندم بود.»

حکمت و فلسفه‎ی تحنیک این است که نوزادان و کودکان، به ویژه آنان که تازه به دنیا می‎آیند، به علت دو امر زیر در معرض مرگ قرار می‎گیرند:

الف) در اثر گرسنگی مقدار قند خون آنان کاهش می‎یابد.

ب) هرگاه درجه‎ حرارت بدنشان به واسطه‎ قرار گرفتن آنان در محیط سرد، پایین آید.

تحنیک مقدار قند خون کاهش یافته را جبران نموده و درجه حرارت بدن را تنظیم کند.

تراشیدن سر نوزاد

از دیگر سنت‌های مستحب و پسندیده، تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم و وزن کردن موهای تراشیده شده با نقره و دادن همان مقدار پول به فقرا به عنوان صدقه است.

عَنْ سَمُرَةَس عَنْ رَسُولِ اللهِ ج قَالَ: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ بِعَقِيقَتِهِ تُذْبَحُ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ».

از سمرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «هر نوزادی در گرو عقیقه‎اش است. برایش گوسفندی در روز هفتم ذبح می‎گردد و موی سرش تراشیده می‎شود.»

حکمت تخصیص نقره جهت صدقه به وزن موی نوزاد این است که اگر به جای نقره، طلا تعیین می‎شد مسلماً به جز افراد ثروتمند کسی از عهده‎ تهیه‌ آن بر نمی‏‎آمد.

**تراشیدن موی سر فواید زیادی دارد که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم**

1- تراشیدن موی سر باعث باز شدن منافذ پوست سر و همچنین تقویت حس بینایی، بویایی و شنوایی می‎گردد. امر پیامبر ج بر اهمیت قضیه دلالت دارد؛ چون حکمت‎هایی در آن نهفته است که مؤمن با اجرای آن از فواید دنیوی و اجر اخروی برخوردار می‎گردد.

2- حکمت اجتماعی: اگر برابر وزن موی تراشیده شده، نقره به عنوان صدقه بین فقرا و مساکین توزیع گردد، سبب دفع فقر از جامعه می‌گردد.

توجه: سعی گردد در زمان تراشیدن، سر نوزاد را خیس نموده و چند بار تیغ را عوض نمایید، تا نوزاد مورد اذیت قرار نگیرد.

احکام عقیقه نوزاد

عقیقه در لغت به معنای قطع رابطه کردن و در اصطلاح شرع یعنی ذبح نمودن گوسفند در روز هفتم ولادت نوزاد است.

عَنْ سَمُرَةَس عَنْ رَسُولِ اللهِ ج قَالَ: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ بِعَقِيقَتِهِ تُذْبَحُ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ».

از سمرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «هر نوزادی در گرو عقیقه‎اش است. برایش گوسفندی در روز هفتم ذبح می‎گردد و سرش تراشیده می‎شود.»

از انسس روایت است که در مورد عقیقه پیامبر ج می‎گفت: «عَقَّ عَن نَفسِهِ بَعدَ مَا بُعِثَ نَبِياً» «پیامبر ج برای خویش، بعد از اینکه به پیامبری مبعوث گردید، عقیقه نمودند.»

حسن بصری می‎گفت: اگر برایت عقیقه نکرده‌اند، برای خودت اگر چه سن بالایی داری عقیقه کن.

نکاتی مهم در مورد عقیقه

الف) عن عائشةل مرفوعاً: «عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَتَانِ وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةٌ».

ام المؤمنین عایشهل از پیامبر ج نقل می‌کند: «برای پسر دو گوسفند هم سن و سال و برای دختر یک گوسفند است».

ب) علما عقیده دارند که احکام حیوان عقیقه با احکام حیوان قربانی فرقی ندارد و مهم این است که قربانی سالم و بدون عیب و نقص باشد. و نر و ماده بودن حیوان مشکلی ندارد.

ج) شایسته است گوشت عقیقه به صورت خام یا پخته بین دوستان، اقوام، فقرا و مساکین توزیع شود و خود پدر و سایر اعضای خانواده می‌توانند از گوشت عقیقه استفاده کنند.

هـ) آغشته نمودن پیشانی نوزاد به خون حیوان مذبوح از اعمال جاهلیت است.

عن أَبِي بُرَيْدَةَس يَقُولُ: «كُنَّا فِي الْـجَاهِلِيَّةِ إِذَا وُلِدَ لِأَحَدِنَا غُلَامٌ ذَبَحَ شَاةً وَلَطَخَ رَأْسَهُ بِدَمِهَا فَلَمَّا جَاءَ الله بِالْإِسْلَامِ كُنَّا نَذْبَحُ شَاةً وَنَحْلِقُ رَأْسَهُ وَنُلَطِّخُهُ بِزَعْفَرَانٍ».

از بریدهس روایت است که می‌گفت: «در زمان جاهلیت هنگامی که فرزندی برایمان متولد می‎شد، عادت داشتیم که پس از ذبح حیوان، پیشانی نوزاد را به خون آن حیوان آغشته می‎کردیم. زمانی که خداوند اسلام را نصیب ما نمود. عقیقه می‌نمودیم و موی فرزند را تراشیده و سرش را آغشته به زعفران می‎نمودیم.

ختنه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَس قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ج: «الْفِطْرَةُ خَمْسٌ: الْخِتَانُ وَالِاسْتِحْدَادُ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَنَتْفُ الْإبَطِ».

از ابوهریرهس روایت است که گفت: رسول الله ج فرمودند: «فطرت پنج چیز است: ختنه، تراشیدن موی شرم‌گاه، کوتاه کردن سبیل، گرفتن ناخن و کندن موی زیر بغل».

مستحب است ختنه در روز هفتم تولد نوزاد انجام گیرد.

عَن جَابر بن عَبداللهس: «أنَّ رَسُولَ الله ج عَقَّ عَن الْـحَسَن وَالْـحُسين، وَخَتنَهُما لِسَبعةِ أيام».

جابر بن عبداللهس می‌گوید: «پیامبر ج روز هفتم برای حسن و حسین عقیقه نموده و آن دو را ختنه کردند».

علما معتقدند که ختنه باید قبل از بلوغ صورت گیرد. تا زمانی که فرد مکلف شد بتواند احکام شرع را به راحتی انجام دهد و در طهارت خود با مشکلی رو به رو نشود؛ زیرا هر چه ختنه با تأخیر انجام گیرد سبب اذیت شدن کودک و به طول انجامیدن بیشتر زخم آن می‌شود.

نام‌گذاری نوزاد

فرزند به عنوان یادگار پدر و مادر باقی می‌ماند و نام آن‌ها را زنده نگه می‌دارد. بنابراین والدین باید در انتخاب نام یادگارشان دقت عمل به خرج داده و رابطه‌ اسم با مسمی را به خاطر بسپارند.

از حقوق فرزند بر والدین، انتخاب بهترین و زیباترین نام‌ها برای فرزند است. منظور از نام زیبا، نامی است که از دیدگاه شرع پسندیده و دارای معانی نیکو باشد که شامل اسامی انبیا، صحابه، علما، دلاوران میدان جنگ و شهدا است. متأسفانه با اینکه فرهنگ اسلام غنی و گسترده است، اما مسلمانان تحت تأثیر فرهنگ بیگانگان قرار گرفته و اسم‌های کاملاً بیگانه برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند.

چنانچه از احادیث فهمیده می‌شود نام‌گذاری می‌تواند در روزهای مختلفی از جمله همان روز اول ولادت در زمان تحنیک یا سه روز بعد، یا در روز هفتم که سنت عقیقه به جا آورده می‌شود، انجام گیرد.

اسم‌های محبوب

عَنْ أَبِي وَهْبٍ الْـجُشَمِيِّس قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ج: «وَأَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللهِ عَبْدُاللهِ وَعَبْدُالرَّحْمَنِ وَأَصْدَقُهَا حَارِثٌ وَهَمَّامٌ وَأَقْبَحُهَا حَرْبٌ وَمُرَّةُ».

از ابو وهبس روایت است که پیامبر ج فرمودند: «به اسم پیامبران نام‌گذاری کنید و محبوب‌ترین اسم‌ها نزد خداوند، عبدالله و عبدالرحمن و راست‌ترین و درست‌ترین اسم‌ها حارث و همام و زشت‌ترین اسم‌ها حرب [جنگ] و مره است.»

شاید بعضی از اسم‌ها نزد انسان محبوب باشد، ولی سعی گردد اسم‌های محبوب نزد خداوند را ترجیح دهیم همان طوری که رسول خدا ج عمل می‌نمود.

اسم‌های حرام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَس قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللهِ ج: «أَخْنَى الْأَسْمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ اللهِ رَجُلٌ تَسَمَّى مَلِكَ الْأَمْلَاكِ، لَا مَلِكَ إِلَّا اللهُ».

از ابوهریرهس روایت است که گفت: پیامبر ج فرمودند: «روز قیامت نامی که از تمام نام‌ها بیشتر مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرد، شخصی است که به نام شاهنشاه نام‌گذاری شده است، پادشاهی جز خداوند نیست.»

زیرا شاه شاهان، کسی جز خدا نیست و کلیه‌ اسم‌هایی که عبودیت برای غیر خدا را می‌رساند مانند عبد‌العزی، عبدالکعبه، عبدالنبی، عبدالرسول و… و نام‌گذاری به نام خداوند بدون اضافه نمودن لفظ «عبد» قبل از آن، حکم تحریم دارد. مانند خالق، صمد و….

یادآوری می‌کنم که در بحث اسامی خداوند باید دانست که نام‌های خداوند توقیفی است یعنی می‌بایست خداوند، خود را با آن نام‌ها معرفی کرده باشد و ما حق نداریم از نزد خود نامی را به خداوند نسبت دهیم، گر چه آن‌ اسم در معنا صحیح باشد. به عنوان مثال ما نمی‌توانیم اسم‌های (عبدالمقصود، عبدالستار، عبدالموجود، عبدالمعبود، عبدالهو، عبدالمرسل، عبدالوحید، عبدالطالب، عبدالقدیم) را به خداوند نسبت دهیم.

می‌توان به جای الموجود که از اسامی خدا نیست «عبد الواجد» و همچنین به جای عبدالعال «عبدالأعلی» یا «عبدالمتعال» و به جای عبدالستار و عبدالساتر «عبدالستِّیر» و به جای عبدالعاطی «عبدالمعطی» نامگذاری کنیم.

اسم‌های مکروه

طبری می‌گوید: نام‌گذاری به اسم‌هایی که دارای معانی زشت است یا در آن تزکیه‎ نفس وجود دارد یا معانی دشنام را داراست، شایسته نیست. ابن حجر/ بعد از نقل گفته‌ی‎ طبری، از ابو داود نام‌هایی را که پیامبر ج تغییر دادند برای ما نقل می‎کند. (البته ابو داود جهت اختصار اسناد را حذف نموده است) عاصی (گناه‌کار، طغیانگر)، عزیز (از نام‌های خداوند)، عُتله (شدت و غلظت)، شیطان (از ریشه‎ شطن به معنی دور)، حُکم (که داور حقیقی خداوند است)، غُراب (کلاغ ـ از ریشه‎ی غَرْب به معنای بْعد و دوری)، حُباب (نوعی مار)، شهاب (اخگر) و حرب (جنگ)

وُصال (حمله و هجوم)، سُهام (تغییرکردن رنگ در اثر لاغری)، نهاد (پستان برجسته)، غاده (نرم اندام)، فتنه (آشوبگر)، هیام (عاشق سر گشته)، حیفاء (کمر باریک)، و میاوه (زن لرزان)، و قیاس بر این اسامی، تمام اسم‌هایی را که لفظ دین یا اسلام به آن‌ها اضافه شده، مانند عز الدین، شمس الدین، صلاح الدین، محیی الدین، ناصر الدین، نور الدین، ضیاء الدین، سیف الاسلام، نور الاسلام و …، به دلیل عظمت و شکوه این دو لفظ(اسلام و دین) و نیز به وجود آمدن حالت کذب و دروغ به هنگام صدا زدن شخص، در حالی که مستحق آن لقب نیست. نامگذاری به این نام‌ها طبق نظر اکثر علما مکروه است. برخی از علما که چنین القابی به آن‌ها داده شده است، همانند امام نووی (محیی الدین) و ابن تیمیه (تقی الدین)، دوست نداشتند که با این القاب صدا زده شوند.

**توجه:** نام‌گذاری به نام‌هایی که در فرهنگ اسلامی نیست، به شرطی جایز است که معانی مخالف شرع نداشته باشد و همچنین این اسامی سبب خود باختگی و تقلید از فرهنگ غیر اسلامی و بیگانه نگردد.

اسامی پیامبران ذکرشده در قرآن

**پیامبران اولو العزم:** محمد، عیسی، موسی، ابراهیم و نوح.

**سایر پیامبران:** آدم، ادریس، هود، صالح، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، ایوب، ذوالکفل، هارون، داود، سلیمان، الیاس، یسع، یونس، زکریا و یحیی.

**اسامی ذکر شده در حدیث:** شیث، یوشع بن نون.

**نام‌های پیامبر** ج**:** بعضی از نام‌های پیامبر ج در آیات و احادیث صحیح ذکر شده، که به آن اشاره می‌گردد.

از جمله محمد، احمد، ماحی، حاشر، عاقب، خاتم، المقفی، شاهد، مبشر، رسول، هادی، متوکل، فاتح، امین، مصطفی، نذیر.

عامه مردم می‌گویند: یاسین و طاها از اسم‌های پیامبر ج است، لیکن هیچ دلیل صحیحی برای آن وجود ندارد و طاها (طه) و یاسین (یس) جزو حروف مقطعه قرآن مانند الم، حم و الر است. در کتاب‌های لغت اشاره شده، که این کلمات زبان عبرانی است که به معنی یا رجل (ای مرد!) است.

نام‌گذاری به نام فرشتگان

علما در مورد نام‌گذاری فرزندان به اسم فرشتگان، اختلاف نظر دارند.

امام مالک و ابن قیم آن را مکروه می‌دانند. ابن قیم در فصل اسم‌های مکروه، می‌گوید: «از جمله‎ی اسم‌های مکروه نام‌گذاری به اسم فرشته‌ها مانند جبرئیل، میکائیل و اسرافیل است».

جمهورعلما، نام‌گذاری به اسم فرشتگان را جایز می‌دانند. از حماد بن سلمه در مورد کسی که خود را جبرئیل و میکائیل نامیده است، سؤال شد. گفت: اشکالی ندارد.

امام نووی می‎گوید: در مذهب ما (شافعی) و مذهب جمهور علما نام‌گذاری به اسم انبیا و فرشتگان جایز است؛ زیرا رسول الله ج یکی از فرزندانش را ابراهیم نام نهاد.

در میان صحابه نیز چنین اسم‌هایی وجود داشته‌اند. مثلاً مالک (مالک بن انس) نام فرشته‌ی نگهبان جهنم نیز است.

ولی اگر نام‌گذاری نکنیم بهتراست، خصوصا نام‌گذاری پسر با نام فرشتگان مشهوری مانند جبرئیل و میکائیل و نام‌گذاری دختر با نام فرشته.

نکاتی مهم در نام‌گذاری

لازم است والدین محترم در انتخاب اسم فرزند نکات ذیل را به ترتیب مد نظر قرار دهند:

1- محبوب‌ترین اسامی نزد خداوند، مدنظرشان باشد که عبارتند از: عبدالله و عبدالرحمن. وکلیه‌ی نام‌هایی که عبودیت خدا در آن‌ها باشد. و اولین مولود مهاجرین عبدالله نامیده شد (عبدالله بن زبیر)، و نزدیک به 300 نفر از صحابه همگی عبدالله نام دارند.

2- نام‌گذاری به اسامی انبیاء، خود پیامبر ج نیز یکی از فرزندانش را ابراهیم نام می‌نهد.

3- نام‌گذاری به اسامی صحابه و صلحاء به قصد تقرب به سوی خداوند با زنده کردن نامشان و اظهار حب نسبت به آن‌ها.

4- اسم ساده و روان بوده و طولانی نباشد.

5- دارای معنی و مفهوم نیک، زیبا، متناسب با مسمّی و مناسب در فرهنگ اسلامی باشد.

6- هر چیز قدیمی به خاطر قدمتش نمی‌تواند نیکو و پسندیده باشد چه بسا اسم‌های قدیمی وجود دارد که معانی آن‌ها قابل قبول نمی‌باشد.

7- پدر ومادر مؤمن و مسلمان یادت باشد خانه‌ات از این نام‌های شریف، و پر برکت مانند: عبدالله، عبدالرحمن، محمد، احمد، ابراهیم، خدیجه، عائشه و فاطمه و… خالی نباشد.

دعای تعويذ كودک

«أُعِيذُكَ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ».

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍب قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللهِ ج يُعَوِّذُ الْـحَسَنَ وَالْـحُسَيْنَ يَقُولُ أُعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ وَيَقُولُ هَكَذَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يُعَوِّذُ إِسْحَقَ وَإِسْمَعِيلَ عَلَيْهِمْ السَّلَام»

از ابن عباسب روایت شده است که گفت: رسول الله ج حسن و حسین را چنین تعویذ می‌فرمود: شما دو نفر را از شر هر شیطانی و جانور زهر دار و از هر چشم بد در پناه کلمات تامات الهی در می‌آورم، و می‌فرمود ابراهیم÷ این چنین اسحاق و اسماعیل را تعویذ می‌داد.

از خداوند منان می‌خواهم که این عمل را مقبول درگاه خویش قرار داده و من و کلیه عزیزانی را که در تهیه آن مرا یاری کرده‌اند، همراه انبیا و صالحین محشور بفرمایند.

مَا أَصَبتُ فَمِنَ اللهِ وَ مَا أَخطَأتُ فَمِن نَفسِي وَمِنَ الشَّيطَانِ وَلاَ حَولَ وَلاَ قُوَّةَ إلاَّ بِاللهِ.

«سُبحَانَ اللهِ وَبِحَمدِهِ، سُبحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمدِكَ، أَشهَدُ أَن لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنتَ، أَستَغفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيك».

پیوست‌ها

پیوست 1: ماده 12 قانون ثبت احوال کشور (ایران) در خصوص ثبت ولادت

ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور بمأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد بنزدیک‌ترین مامور کنسولی و یا سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌شود.

‏هر یک از اشخاص زیر می‌توانند با مراجعه به ادارات ثبت احوال نسبت به اعلام ولادت و اخذ شناسنامه نوزاد اقدام نمایند:

الف - پدر

ب- پدر یا جد پدری با ارائه شناسنامه

ج- مادر در صورتی که ازدواج او قانونا به ثبت رسیده باشد - در صورتی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد، حضور والدین ضروری است

وصی یا قیم یا امین با ارائه مدارک ذیربط

د- متصدی یا نماینده‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است

هـ- صاحب واقعه که سن او 18 سال تمام به بالا باشد

مدارک مورد نیاز:

الف- اصل شناسنامه پدر و مادر

ب- گواهی ولادت صادره توسط پزشک یا مامای رسمی

ج- فیش بانکی نزد بانک ملی بنام سازمان ثبت احوال کشور

حضور یکی از والدین یا جد پدری و چنانچه ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضاء اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود

نامگذاری:

الف- انتخاب نام نوزاد به عهده اعلام کننده است

ب- برای نامگذاری، یک نام ساده و یا مرکب که عرفاً یک نام محسوب می‌شود قابل انتخاب است

ج- انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده مستهجن یا نا متناسب با جنس ممنوع است

د- انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است

ذکر سیادت در مورد ساداتی که سیادت آن‌ها در شناسنامه پدر یا جد پدری مندرج باشد الزامی است

نحوه مراجعه و دریافت شناسنامه:

جهت اخذ شناسنامه نوزاد کلیه ادارات ثبت احوال سراسر کشور آمادگی دارند در ساعات و ایام اداری پاسخگوی مراجعین محترم باشند و در صورت تکمیل بودن مدارک لازم و مراجعه قبل از ساعت 10 صبح سند سجلی تنظیم و شناسنامه نوزاد در همان روز صادر و تحویل میگردد.

توصیه‌های ضروری:

الف- اصلح است که واقعه ولادت در ظرف مهلت مقرر (15 روز) به ادارات ثبت احوال اعلام گردد.

ب- از آنجایکه پس از صدور شناسنامه تغییر نام به سادگی امکان پذیر نیست مناسب است در هنگام نامگذاری تمامی جوانب امر بویژه رعایت فرهنگ اسلامی، ایرانی، و شخصیت آینده طفل خود را مد نظر قرار دهید.

ج- صدور شناسنامه مستلزم تنظیم سند سجلی است، با توجه به اهمیت موضوع لازم است قبل از امضاء اسناد مربوطه از صحت مندرجات اطمینان حاصل نمایید.

هـ- بهنگام دریافت شناسنامه از صحت مندرجات آن اطمینان حاصل نمایید.

و- صدور شناسنامه مجدد محدودیت قانونی دارد لذا در حفظ و نگهداری آن دقت لازم را معمول فرمائید.

ز - درج هرگونه مهر، نشانه و نوشتار در شناسنامه‌های نوزاد ( نمونه جدید ) اکیدا" ممنوع است.

ح- دست بردن در مندرجات شناسنامه بهر صورت اکیدا" ممنوع و با متخلفین برابر قانون رفتار خواهد شد.

ط - ودیعه گذاشتن شناسنامه به هر جهت و در هر جا ممنوع است.

تعاریف و مفاهیم:

برای اطفال زیر می‌توان شناسنامه صادر نمود:

الف ـ اطفالی که پدر آن‌ها ایرانی باشد.

ب ـ اطفالی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران بدنیا آمده‌اند متولد شود.

سند:

سجلی. سند سجلی سندی رسمی است که ولادت هرفرد در آن ثبت و براساس آن شناسنامه صادر می‌گردد.

شناسنامه:

شناسنامه مدرک هویت و تابعیت هر فرد ایرانی می‌باشد.

سؤالات انتقادات و پیشنهادات

چنانچه سؤال، انتقاد و یا پیشنهادی در خصوص صدور شناسنامه نوزاد و یا سایر خدمات قابل ارائه توسط سازمان ثبت احوال کشور دارید می‌توانید با دفتر روابط عمومی سازمان تماس حاصل فرمائید.

دفتر روابط عمومی : تلفن : 6709666 دورنگار: 6709333

EMAIL: INFO@NOCRIR.COM

[بر گرفته از سایت سازمان ثبت احوال کشور]

آدرس سایت: www.nocrir.com

پیوست 2: نام‌های پسران و دختران

 نام‌های پسران:

اَبان نام صحابی - آشکار - واضح

ابراهیم نام پیامبر- پدر جماعت بسیار- پدر عالی مقام

ابوبکر نام صحابی -

ابوذر نام صحابی -

اُبَی شیر- تصغیر أب

احسان نیکی- بخشش - خوبی

اَحمَد نام پیامبر- ستوده تر- حمید تر ـ احسن- ستوده

اَحنَف نام صحابی- پایدار در دین- درستکار

اِدرِیس نام پیامبر- کسی که زیاد اهل علم باشد

اَدْهَم نام صحابی- تیره گون - سیاه

اَدیب دانا – سخن‌دان – با فرهنگ

اَرسلان شیر- مرد شجاع - شیر درنده

آرش درخشنده

اَرشد برومند – رشیدتر- تیز خاطر- باهوش‌تر- راه راست یابنده‌تر

اَرقَم نام صحابی- ماری خطرناک- قلم - مار سپید و سیاه

آرمان آرزو - خواسته

اُسامَه نام صحابی- شیر - اسد

اِسحاق نام پیامبر- خندان

اَسَد نام صحابی- شیر - شیر درنده- نیرومند- شجاع- نیک‌بخت

اَسعَد نام صحابی - سعیدتر- نیک‌بخت‌تر

اَسلم نام صحابی- سالم‌تر - سلیم‌تر

اسماعیل نام پیامبر- شنونده از خداوند - بلند

اُسَید نام صحابی - بزرگوار کوچک

اَشجَع شجاع‌تر- دلاورتر

اَشرَف شریف‌تر - بزرگوارتر

اَشعَث نام صحابی - ژولیده موی

اَشْهَب شیر پیشه - آب صاف -کارسخت - سفید مایل به سیاه

اصغر کوچک‌تر

اَصمَع شمشیر برنده - تیز خاطر - هوشیار - پرکار - زیرک

اَصهَب سرخ مو - موی سرخ و سفید بهم آمیخته – شیر – مو بور

اِعتصام پناهنده شدن - خویشتن داری از گناه

اَفضل دارای حسب و نسب - صاحب فضل - فاظل‌تر - برتر

اِقبال سعادت - نیک‌بختی

اکبر بزرگتر - مهتر

اِلیاس نام پیامبر - خداوند خدای من است - شجاع

اَمان آسایش - آرامش - عهد - اطمینان

اَمجد دارای عزت و فخر - بزرگوار - جوانمرد - شریف

امید آرزو - آرمان - رجا

اَمیر فرمانده - فرمانروا - سرور

اَمین امانت‌دار- راستگو- صادق - درستکار

اُمیه کنیزک

اَنس نام صحابی - همدم - انس و الفت گیرنده - آرامش یافته به چیزی

اَنور روشن‌تر - درخشان‌تر – نیک‌تر

اَوس نام صحابی - بخشش و عطا - امیدواری - گرگ

اُوَیس هدیه کوچک - گرگ

اِیاد پشتیبان - پناه - حمایت - کوه محکم

اِیاس نام صحابی - نا امید شدن- بخشش - گرگ

اَیمن نام صحابی - سمت راست - صاحب یمن و برکت - سالم - رستگار

اَیوب نام پیامبر- برگشت به سوی خدا

بابک امین - استوار - درستکار - پرورش دهنده

باقر شکافنده - گشاینده - صاحب علم و مال

باهر روشن- درخشان- آشکار

بدر آقا - سرور - تمام و کامل گردید - ماه شب چهارده - زیبا

بَراء نام صحابی - پاک - نخستین شب ماه

بُرهان حجت - بیان واضح - حجت روشن

بُرَید پیک – سردی - گوارا

بُریده نام صحابی - دانه‌های کوچک تگرگ - رهگذر

بَسَّام خنده رو- خوشرو- گشاده‌رو

بَسطَام تیزی شمشیر- نام شهری در خراسان قدیم

بِشر نام صحابی - شاد - خنده رو- زیبا

بَشَّار بشارت دهنده- خنده رو

بَشیر نام صحابی - بشارت دهنده - مژده دهنده - خوبروی

بکار پیشرو- متقدم

بَکر شتر جوان - پیشرو

بکیر اولین باران بهار - پیشرو

بِلال نام صحابی - آب - تری و نم - پیروز

بِنیامین برادر پیامبر یوسف - پسر دست راست

بهادر دلیر - شجاع

بَهرام ستاره مریخ - نوعی باد - درهم شکننده مقاومت - پیروزگر

بهروز سعادتمند - خوشبخت

بهزاد نیکو نژاد - نیکو زاده

بهمن نیک اندیش - نیک منش - نیکو - راست گفتار

بهنام نام نیک - خوشنام - نیک‌نام

بیطار سازنده نعل حیوانات

پارسا پرهیزکار - زاهد - متدین

پیام رسالت - پیغام - الهام - خبر

پیروز غالب - چیره - فرخنده - مبارک - شاد

پیمان عهد - میثاق

تَمیم نام صحابی - استوار - سخت - تمام و کامل در خلقت

توفیق پیروز - موفق - کامیابی - یاری و تأیید - تأیید الهی

تیمور آهن - فولاد

ثَابت نام صحابی - استوار - محکم - پایدار - شجاع

ثاقب سوراخ کننده - روشن - درخشان- متفکر - هوشیار

ثَمین گرانب‌ها - قیمتی

ثُوبان نام صحابی - بهبودی - سلامتی- توبه کننده

جابر نام صحابی - قهرمان - زورگو - شکسته بند

جاد کریم - باران فراوان - کوشنده در کار - خوش اقبال

جاسم تناور - تنومند - دانا

جاوید پایدار

جُبَیر نام صحابی- اصلاح امور و اشیا

جَرَّاح نام صحابی - درمان کننده - کاسب

جَرِیر نام صحابی - مهار - جاری - روان - گویا

جَعفَر نام صحابی - جوی پر آب - شتر پر شیر

جلال بزرگی- عزت و شکوه - حکیم - محترم

جلال بزرگوار

جَلیل بزرگ - بزرگوار - بلند مرتبه

جمال نیکو صورت - زیبا - زیبایی

جَمال زیبایی - خوبی

جَمیل مرد زیبا روی و زیبا خوی- نیکی - خوب - نیکو - زیبا

جُناده نام صحابی - یار و یاور - معاون

جُندُب نام صحابی - نوعی از ملخ

جندل اراده - قوت - سنگ بزرگ

جُنَید سپاهی کوچک - سربازی کوچک

جَواد بخشنده - تیز رو - اسب اصیل

حَاتم حاکم- قاضی - داور

حَارِث نام صحابی - شیر - کاسب - کشاورز - جمع کننده چیزی

حارثه کشاورز - زراعت کننده

حارس حفظ کننده - پاسبان

حَازِم نام صحابی - با احتیاط- هشیار- دور اندیش

حاطب جمع کننده چوب - یاری دهنده

حافظ حفظ کننده - نگهدارنده اسرار

حَامِد حمد کننده - ستاینده - شاکر

حَبِیب نام صحابی - دوستدار- محبوب - یار

حُجر دامن و آغوش آدمی- بازداشتن - عقل - خرد

حذافة

حُذَیفَه نام صحابی - نوعی پرنده-کوتاه

حُرّ آزاد - جوانمرد - کریم - برگزیده

حِزام کمربند - هر چیزی که به آن چیزی ببندند

حزم قوت - ماهر - هشیاری - دور اندیشی - بلند

حُسام شمشیر بران - شمشیر تیز

حَسَّان نام صحابی - بسیار نیکو - بسیار خوب - زیبا - زینت دهنده

حَسن نام صحابی - خوب- زیبا- نیک رو

حُسین نام صحابی - خوب - زیبا- نیک رو

حَصن نام صحابی – پناهگاه - پارسا

حُصین نام صحابی - محکم - استوار

حُضیر کسی که قصد مسافرت ندارد

حفص شیر - زنبیل - خانه‌ی کوچک

حفیظ نگهبان

حَکیم نام صحابی - دانشمند - دانا- درستکار - استوار

حُکیم داور کوچک

حَلیم بردبار - شکیبا

حَمَد ستودن - ستایش کننده - شکر کننده

حَمزه نام صحابی - شیر - زیرک

حَمَّاد بسیار حمد کنند- ستاینده

حَمّود ستوده - پسندیده – حمد کننده

حَمید پسندیده- ستوده - شکر کننده – ستایش شده

حَنظَله نام صحابی - بوته‌ای که میوه‌ی تلخی دارد

حنیف راست- مستقیم - ثابت و پایدار در دین

حَنِیفه راست- مستقیم - ثابت و پایدار در دین

حیدر شیر - شیر بیشه

حَیان زنده

خَالد نام صحابی - جاودان - همیشه

خَبّاب نام صحابی - حیله گر - تیزرو

خُبَیب نام صحابی - فریب کار- تندرو

خُثَیم مردی که بینی‌اش پهن و کلفت است

خُزیمه نام صحابی - گل خوشبو

خَطَّاب آگاه - سخنور

خَلَّاد ابدی - جاودانی- مورد اعتماد

خَلیل دوست- رفیق - یار - پند دهنده

خویلد پایدار - جاوید

دانیال خدا حاکم من است

داوود نام پیامبر- محبوب

دِحیه نام صحابی - سردار لشکر

ذَکوان نام صحابی - هوشیار- تیز فهم - با ذکاوت

رائِد سفیر - پیک - پرچمدار - پیام‌آور - راهنما - جوینده

رائف خیلی مهربان – مهر و رزنده

راجی امیدوار

رَاشد دیندار- متدین - کسی که در راه حق صلابت دارد

رَافع نام صحابی - درخشنده - بلند کننده

رامین آرام

رَباح نام صحابی - سود و منفعت

رِبعی کسی که در فصل بهار به دنیا آمده - متوسط قد

رَبِیح سودمند - سود آور

رَبِیع بهار - گیاه یا باران بهاری - جوی خرد

ربیعة باغ - بهار - متوسط قد

رَجاء نام صحابی - امیدواری - امید - آرزو

رُحَیل قوی و توانا در سفر - بلند کردن

رِشاد راستی - پیروزی - پایدار - رستگاری

رَشید نام صحابی - شجاع - دلیر - خوش قد و قامت - رهبر

رضا قانع - تسلیم - آرامش - خوشبخت - خشنود - راضی

رضوان بهشت - خشنود کننده - رضایت

رِفاعه نام صحابی - رسایی - بلندی - شدت

رَفیع والا مقام - بلند مرتبه - شریف - نجیب

رفیق دوست خوب - همراه - دانا - زیرک

رُکانه نام صحابی - با وقار و سنگین

رواحه سرور - شادی

ریاض باغ – گلستان

زاید کثرت - بالنده - فراوان

زُبید نام صحابی - عطیه - بخشش - شایسته - آشکار و واضح

زُبیر نام صحابی - بسیار عاقل - زیرک - قوی و نیرومند

زُراره نام صحابی - با ذکاوت - چالاک

زَعیم پیشوا - رئیس و رهبر

زُفَر شجاع - بزرگ - بخشنده

زَکریا نام پیامبر - یاد خدا

زکوان پارسا - نیکوکار - پاکیزه

زَکی پاک - صالح

زَمعَه بخشنده - مصمم در کار

زُهیر نام صحابی - زیبا - باطراوت - درخشان

زیاد فراوانی

زید نام صحابی - رشد - نمو - فراوانی

زَیدان رشد - نمو - تثنیه زید و زیاد

ساریه ابری که در شب آمده و می‌بارد - ستون

سالم نام صحابی - تندرست - درست - صحیح - بی‌عیب

سامان آراستن - ثروت - توانایی - آرام

سامِح بخشنده - انفاق کننده

سامِی عالی - بلند مرتبه

سجّاد بسیار سجده کننده

سِراج چراغ - مهتاب - روشنایی

سُراقه نام صحابی - تکه‌های حریر یا نوع خوب حریر

سَعد نام صحابی - مبارک - نیکبختی - خجسته - خوش‌یمن

سُعود مبارک - نیک بخت - خجسته - سعادت

سَعید نام صحابی - خوشبخت - نیکبخت - خجسته - سعادتمند

سفیان نام صحابی - قد بلند

سُفیان نام صحابی - وزیدن باد - کشتی ساز

سَلام نام صحابی - درود - تسلیم - سلامتی - تسلیم - آرامش

سُلطان برهان - قدرت - فرمانروایی

سَلمان نام صحابی - سالم از عیوب - سلامت - سالم و مبرا از عیب و نقص

سَلَمَه نام صحابی - پاک از عیوب

سُلیک نام صحابی - نوعی پرنده - رشته کوچک

سَلیم سالم از آفت - تندرست

سُلیم نام صحابی - سالم

سُلیمان نام پیامبر - پر از سلامتی - پیروز - سالم

سَمُرَه گندم‌گون

سمَعان شنوا

سمیر سخنگوی شب - مونس

سِنان- سَنان نام صحابی - سر نیزه - تیزی هر چیز

سَهل نام صحابی - آسان - نرم - نیک‌خو - نرم‌خو

سُهَیل نام صحابی - آسان - نام ستارهای

سُوَید نام صحابی - تصغیر اسود- تیره گون - سیاه

سیف شمشیر - شکافته شده - تیغ

سینا سوراخ کننده - دانشمند

شافِع شفاعت کننده

شافی درمان بخش – شفا بخش –رضایت بخش – واضح

شاکر شکر گزار - سپاس گزار - شکر کننده

شاهد گواه - آشکارا

شاهین زبانه ترازو- پرنده‌ شکاری که وجه تسمیه او بخاطر اعتدال در سیری و گرسنگی است

شایان سزاوار - زیبا - پسندیده

شجاع قوی - نترس - نوعی مار - دلیر

شَدَّاد نام صحابی - بسیار قوی و نیرومند

شَرَف بزرگوار- مجد - بلند مرتبه

شُرَیح نام صحابی - تفسیر - تعریف مختصر- قطعه کوچک - شادی

شَرِیف صاحب شرف - شرافتمند - بلند قدر - ارجمند - خوب - ارزشمند

شُعبَه شاخه درخت - تکه چوب - جوی بزرگ - ریشه

شُعَیب نام پیامبر - مرد دوری گزیده - مردی که شانه‌هایش عریض است

شَفیع شفاعت کننده - واسطه

شَفیق مهربان - دلسوز

شکیب سخی - پاداش - بخشنده - صبر

شَمعُون نام صحابی - شنونده

شهرام مطیع

شِیبَه نام صحابی - پیر - سفید موی

شیث نام پیامبر – هدیه خدا

صائِب راست - درست - حق - دارای فکر سالم

صابر بردبار - شکیبا

صادق راستگو - مخلص - راست و درست

صَالح نام پیامبر - شایسته - نیک - نیکوکار - پرهیزگار

صدّیق بسیار راستگو - کسی که سخنش با عملش یکی است

صفدر صف شکن - شجاع - دلیر

صَفوان نام صحابی - سنک صاف و صیقلی - روشنی - بی‌آلایشی - صفا

صلاح خیر و نیکی - نیکو - شایسته

صُهیب نام صحابی - کسی که در مو و پوستش سرخی دیده شود - سرخ و سفید - شیر درنده

ضِیاء نور - روشنایی

طارق نام صحابی - مهمان شب - آهنگر - ستاره صبح

طالب جوینده - شاگرد - خواهان

طالِع طلوع کننده - سرنوشت - هلال

طاهر پاک - پاکیزه

طاووس باهوش - بخشنده - زیبا - نام پرنده‌ای زیبا

طلحه نام صحابی - درخت موز- شکوفه خرما

طیب نام صحابی - پاک - خوب - بهترین

ظاهر آشکار - نمایان

ظَفَر به مراد رسیدن - پیروزی یافتن - نصرت

عائذ پناهنده

عابد عبادت کننده - بنده

عادل دادگر- دادگستر - باعدالت

عارف عالم - آگاه - صبور

عاصم نام صحابی - محافظ - پناه برنده – نگه دارنده

عاطف شفیق - رحیم - مهربان - برگرداننده

عاقب جانشین - تابع

عامر نام صحابی - آباد کننده - بسیار عمر کننده

عِباد نام صحابی - جمع عبد - بندگان - عبادت کار

عُباده نام صحابی - عبادت کار- بندگی

عباس نام صحابی - شیر بیشه - بسیار ترشرو - پهلوان – بسیار شجاع و دلیر

عَبْدُ الاَحَد بنده خدای یکتا و یگانه

عبد الاخِر بنده خدای همیشگی

عبد الاعلی بنده خدای بلند مرتبه

عبد الاِلَه بنده خدای معبود

عبد الاول بنده خدای نخستین و پیش از همه بوده

عبد البَارِی بنده خدای آفریننده از عدم

عبد الباسط بنده خدای فراخ دست

عبد البَاطِن بنده خدای پنهان

عبد الباعث بنده خدای بر انگیزنده بنده خدای

عبد الباقی بنده خدای جاوید

عبد البَر بنده خدای نیکوکار

عبد البَصیر بنده خدای بینا

عبد التَوَّاب بنده خدای توبه پذیرنده

عبد الجَبَّار بنده خدای قدرتمند و با جبروت - بنده خدای قاهر

عبدالجَلیل بنده خدای شکوهمند - بنده خدای بزرگوار

عبد الحفیظ بنده خدای نگهدارنده

عبد الحَق بنده خدای پایدار - بنده خدای راست

عبد الحَکم بنده خدای داور

عبد الحَکیم بنده خدای دانا

عب دالحلیم بنده خدای بردبار

عبد الحَمید بنده خدای ستوده

عبد الحَی بنده خدای همیشه زنده

عبد الخالِق بنده خدای آفریننده

عبد الخَبیر بنده خدای بسیار آگاه

عبد الرؤوف بنده خدای مهربان

عبد الرافع بنده خدای برپا دارنده و بلند کننده

عبد الرَبّ بنده پروردگار

عبد الرَحیم بنده خدای مهربان

عبد الرَّحمن بنده خدای بخشاینده

عبد الرَزَّاق بنده خدای روزی دهنده

عبد السَّلام بنده آفریننده درستی – بنده خدای مبرا از نقص و فنا

عبد السَمیع بنده خدای شنوا

عبد الشَکور بنده خدای سپاسگزار

عبد الشَهید بنده خدای بسیار آگاه

عبد الصمد بنده خدای بی نیاز

عبد الظَاهر بنده خدای دانا به ظواهر امور

عبد العَزیز بنده خدای غالب - بنده خدای گرامی

عبد العَظیم بنده خدای بزگوار - بنده خدای بزرگ

عبد العَلی بنده خدای بلند مرتبه

عبد العلیم بنده خدای دانا

عبد الغَفَّار بنده خدای بسیار آمرزنده

عبد الغَفور بنده خدای آمرزنده

عبد الغَنی بنده خدای بی نیاز

عبد الفَتَّاح بنده خدای گره گشا - بنده خدای گشاینده

عبد القَادِر بنده خدای توانا

عبد القَاهِر بنده خدای غالب و قدرتمند - بنده خدای چیره شونده

عبد القُدُّوس بنده خدای پاک و بدون نقص

عبد القَدیر بنده خدای بسیار توانا

عبد القَهَّار بنده خدای چیره

عبد القَوی بنده خدای توانا

عبد القَیوم بنده خدای پایدار

عبد الکبیر بنده خدای بزرگ

عبد الکریم بنده خدای گشاده دست - بنده خدای بزرگوار

عبد اللَطیف بنده خدای باریک بین - بنده خدای نیکویی کننده

عبد الله بنده خدا

عبد المُتَعال بنده خدای بلند مرتبه

عبد المتَعَالی بنده خدای برتر

عبد المتَین بنده خدای محکم کار

عبد المُجیب بنده خدای اجابت کننده

عبد المَجید بنده خدای ستوده شده - بنده خدای دارای قدر و مرتبه عالی و گرامی

عبد المَلِک بنده خدای دارنده هستی‌ها

عبد المُنْعِم بنده خدای روزی دهنده

عبد المَنَّان بنده خدای بسیار نعمت دهنده

عبد المُهَیمِن بنده خدای مسلط

عبد المُؤمِن بنده خدای امان دهنده

عبد النَصر بنده خدای پیروز

عبد الهادی بنده خدای هدایت دهنده

عبد الوَاحِد بنده خدای یگانه و یکتا

عبد الوَارِث بنده خدایی که بعد از فنای موجودات باقی است

عبد الوَاسِع بنده خدایی که دارای لطف و رحمت بی‌پایان است

عبد الوَالِی بنده خدایی که سر رشته امور خلق در دست اوست

عبد الودود بنده خدای بسیار دوست دارنده

عبد الوَکیل بنده خدای حفظ کننده

عبد الوَهَّاب بنده خدای بخشاینده

عُبَید نام صحابی - بنده کوچک

عُبَیدُ الله بنده کوچک خدا

عبُیدهَ نام صحابی - بنده کوچک

عُتبَه نام صحابی - دره - رودخانه - رضایت

عتیق آزاده از آتش - کریم - قدیم

عُثمان نام صحابی - بچه اژدها - بچه مار - نام پرنده‌ای

عداس حرکت کننده - کوبنده- عدس خوار

عدنان عادت کرده - انس گرفته

عِرباض نام صحابی - درشت و استوار - توانا - شیر

عِرفان نیکی - معروف - ثنا - بخشش - شناخت

عُروه نام صحابی - بهترین مال - شیر - مورد اعتماد

عزام عزم - اراده قوی - از اسامی شیر

عِصام نام صحابی - دسته - بند مشک - شریف - عهد و پیمان

عَطا بخشش - هدیه

عَطّار عطر فروش - کسی که دارو و چیزهای خوشبو می‌فروشد

عطیة نیکی- هدیه - بخشش

عظیم دارای عظمت وقدرت - بزرگ

عَفَّان نام صحابی - نام صحابی - پاکدامن - باحیا - نجیب

عُفَیر نیرومند و ستبر و محکم کوچک - مرد خاکی رنگ کوچک

عَفیف پاکدامن - پرهیزکار

عُقبَه نام صحابی - بازمانده - جانشین - پایان

عَقِیل نام صحابی - زیرک و خردمند - گرامی - عاقل - بزرگوار

عُکاشة نام صحابی - تار عنکبوت

عکرمه نام صحابی - کبوتر - تاریکی شب

عَلا بزرگوار - شریف - بلندی قدر

عَلقمه نوعی گیاه تلخ

علی نام صحابی - بلند - ارجمند - شریف - بزرگوار - توانا

عماد رئیس - شریف - ستون - تکیه‌گاه

عماره نام صحابی - تاج - سازنده

عُمَر نام صحابی - حیات - سازنده - آباد کننده

عِمران نام صحابی - آبادی - تمدن

عَمرو نام صحابی - آبادی - حیات

عَمّار نام صحابی - باوقار – بردبار - ثنا گوینده - مرد با ایمان - ثابت استوار

عمید رئیس - حاکم

عُمَیر نام صحابی - تصغیر عمر - آبادی

عُمیس شیر دلیر و سر سخت - به بیراه رفتن

عنایت مهربانی - لطف - نیکی

عوف نام صحابی - شیر- مهمان - کار و کوشش

عون یاری دهنده - خادم

عَوَّام شناگر زبر دست - اسب تندرو

عَیاض نام صحابی - بدل - بسیار بخشنده

عیسی نام پیامبر - نجات دهنده

غضنفر شیر عظیم الجثة

غیاث یاری - مساعدت - فریاد رس

غیث ابر - باران

فُؤاد قلب - دل - عقل - موفق - پیروز

فائز پیروز و رستگار

فائِق برگزیده - برتر

فاروق جدا کننده حق از باطل

فاضل کریم - برتر - نیکو - پسندیده

فَرَج گشایش - خرسندی - رهایی

فرحان خوشحال - شاد - مسرور

فَرُّخ مبارک - خجسته - خوشبخت - ارجمند - خوب

فَرُّخ مبارک - نیک - فرخنده

فرزاد با فر و شکوه - با عظمت

فَرزاد با فر و شکوه - با عظمت

فرشاد برهان - شکوه - شادی

فَرشاد برهان - شکوه - شادی

فرشید شکوه - روشنایی

فَرشید روشنایی - شکوه

فرقان جدا کننده حق از باطل - برهان

فَرهاد یاری

فرید بی‌نظیر - نادر - یکتا

فریدون بی‌همتا

فضاله احسان - باقی هر چیز

فَضل نام صحابی - بخشش - احسان - افزونی - باقی مانده - لطف

فُضَیل با فضل - برتر - بخشنده

فَهد یوز پلنگ

فوزان پیروز

فیروز منصور - پیروز

فِیروز نام صحابی - پیروز

فیصل جدا کننده حق از باطل - حاکم - شمشیر بران

فیض پر و زیاد - بهره - بخشش

فَیاض جوان‌مرد - بخشنده - جوی پر آب

قَابوس مرد نیکو روی

قاسط عادل - منصف

قَاسِم نام پسر پیامبر - قسمت کننده - پخش کننده - توزیع کننده

قاصد جوینده - اراده کننده

قُباد محبوب - سرور

قَتاده نام صحابی - نام صحابی - نوعی گیاه خار دار

قُتَیبه پالان کوچک - روده کوچک

قُثَم بسیار بخشنده - جمع کننده نیکی

قُدامه نام صحابی - متقدم - اول صف

قَسام زیبایی - جمال

قَسَامَه حسن - زیبایی - نیکویی - آرامش - آرمش

قصام نابود کننده - جدا کننده

قُصَی دور - بسیار دور

قیس نام صحابی - برازندگی - سخت

کاظم کسی که خشمش را می‌خورد - بردبار

کامران کسی که هر چه بخواهد برایش مهیا شود - موفق - خجسته - مبارک

کریم بخشنده - با عزت

کعب نام صحابی - بزرگی - بند استخوان

کمال صاحب اخلاق و اعمال کامل - بی‌عیب - نهایت

کمیل بسیار کامل

کنعان خشوع و خضوع - بخشنده و کریم - حلیم و بردبار

لبیب زیرک - عاقل - خردمند

لُقمان راه روشن - ساکت کننده دشمن - مانع

لُهِیعَه مرد غفلت زده - مردی که با همه انس می‌گیرد

لوط نام پیامبر - دوست شدن - ملحق شدن کسی به کسی

لَیث مرد سخنور - شیر بیشه - دلیر - شجاع - زیرک

مؤید تأیید شده - توانا

مُؤید تأیید کننده

ماجد بزرگوار - خوش اخلاق

مَاعِز نام صحابی - مفرد معز - تیز خاطر - استوار - کوشش کننده در کار

مَالک نام صحابی - صاحب ملک - دارنده و صاحب اختیار چیزی

مأمون فرد مورد اعتماد - امین

ماهر حاذق - چیره دست - استاد در کار

مُبَشِّر مژده دهنده - خوش خبر

مبین آشکار- فصیح - آشکار کننده - روشنگر - روشن

مُتَوکل نام صحابی - تکیه کننده - توکل کننده - با توکل

متین قوی - پر طاقت - وقار - محکم و استوار

مُجاهد جهاد کننده در راه خدا - کوشش کننده

مجُتبى مختار - انتخاب شده - برگزیده

مَجد جلال - عظمت

مُجیب جواب دهنده - اجابت کننده

مَجید صاحب عزت - دارای قدر و مرتبه عالی - گرامی - خوش اخلاق

مُحِب دوست - مونس - همدم - دوستدار

مُحسن نیکو - بخشنده - زینت دهنده - نیکوکار

مُحصِن پاکدامن - نگهبان - محافظ

محمد نام پیامبر - ستوده - نیک‌خو - نیکوسرشت - دارای صفات نیکوی بسیار

مَحمود نام صحابی - نیکو سیرت - ستوده - ستایش شده - نیک

مُختار انتخاب شده - صاحب اختیار - برگزیده

مَخلَد جاویدان - همیشگی - پاینده

مُراد هدف - آرزو - مقصود

مُرتضى کسی که مردم از او راضی باشند - پسندیده شده - مورد رضایت و پسند

مرثد کریم - شیر – جوان‌مرد

مَرحَب نام صحابی - بزرگی - فراخ شده - خوش آمد

مِرداس نام صحابی - سخت - طولانی

مَرزوق روزی‌مند - روزی داده شده

مُرشد واعظ - راهنما

مَروان گیاه خوشبو - سنگ تیز - سنگ چخماق سفید

مُرید صاحب اراده - مطیع

مساعد یاور - معاون

مَسرور خوشحال – خوش‌بخت - شاد

مِسطح تیرک وسط خیمه - محل خشک کردن خرما

مَسعود نام صحابی - میمون - مبارک - فرخنده - نیکبخت - خجسته

مُسلم نام صحابی - مسلمان - تسلیم شده

مَسلمة تسلیم شدن - اطاعت

مُسَیب نام صحابی - آزاد کننده - بخشنده - عطا دهنده

مشتاق جوینده - راغب - آرزومند - طالب

مشرّف شرافت‌مند - سزاوار - سر افراز - بزرگ

مشعل چراغ

مُشفِق رحیم - عطوف

مشهور معروف - نام‌آور

مصباح چراغ

مُصطفى انتخاب شده - مختار - برگزیده

مُصعب نام صحابی - سرکش - کار سخت

مُصلح اصلاح کننده

مُصیب اندیشمد - صاحب رأی - درستکار

مُظَفَّر پیروز - به مراد رسیده - موفق

معاذ نام صحابی - پناه دهنده - جای پناه - پناهگاه

معاویه نام صحابی

مُعتصم پناهنده - یاور - پناه‌ گیرنده - جای پناه

مُعتمد مورد اعتماد

مَعروف مشهور - احسان

مُعین یاور - کمک کننده

مُغیره نام صحابی - حمله کننده

مِفتاح آسان کنده امور - کلید

مفلح رستگار - پیروز

مُقبل روی آورنده - خوشبخت - خوش اقبال

مِقداد بُرّنده - بسیار قطع کننده

مُنجد یاور - یاری دهنده

مُنذِر ترساننده - بیم دهنده

مَنصور یاری شده - نصرت شده - پیروز - موفق

مُنعم بسیار بخشنده - ثروتمند - توانگر - محسن

مُنیب موکل - درخواست کننده - توبه کننده

مُهاجر هجرت کننده

مَهدی هدایت شده - ارشاد شده

مهران نام صحابی - دارنده - ارشاد شده

مُوسی نام پیامبر - از آب گرفته شده - نجات یافته

میثم نشستن با شدت بر زمین

نادر کمیاب - بی‌نظیر

ناصح پند دهنده - مرشد - خیر خواه

ناصر یاور - یاری کننده

نَافع نفع رساننده - سودمند - مفید

نایف بلندی - بلند

نَبیل زیرک - فاضل - نجیب - نیکو

نَجیب کریم - فاضل - شریف - پاکدامن - پارسا – جوان‌مرد - گرامی

ندیم رفیق - دوست - همدم

نذیر بیم دهنده

نسیم هوای لطیف - باد خنک

نَصر نام صحابی - یاری - یاری کننده - کمک کننده

نَصیر یاری دهنده - یاور

نُعمان نام صحابی - نعمت - خوشی - گل لاله - گل سرخ

نَعیم مال - ثروت - خوشی زندگی - بخشش

نُفیل غنیمت - هدیه

نُوح نام پیامبر - بوی خوش - گریه کننده

نُوفَل نام صحابی - بخشنده - دریا - عطا - زیبا

نَوّاس متحرک

نوید مژده - خبر خوش - وعده نیک

نیما نام‌آور

هادی راهنما - مرشد - شیر

هَارون نام پیامبر - دربان - پاسبان - قاصد - کوه‌نشین

هَاشم کریم - بخشنده - ماهر - خرد کننده

هانی نام صحابی – خدمت‌کار - خوشحال - راحت - مسرور

هِشَام نام صحابی - بخشش - سخاوت – جوان‌مردی – جوان‌مرد

هِلال نام صحابی - ماه نو - زیبا

همام بزرگ و دلیر و بخشنده - شیر - شجاع - ارجمند

هَمَّام نام صحابی - بلند همت - با اراده

هُود نام پیامبر - توبه کننده - بزرگوار

هوشنگ هوش - آگاهی - عقل - خرد

هوشیار زیرک - عاقل - باهوش

هیثم نام صحابی - آسان - پر پشت - عقاب - زمین نرم - خاک سرخ

وائل نام صحابی - رجوع کننده - کوشش کننده برای نجاتش - طالب رستگاری

وحید نابغه - یگانه - بی‌نظیر - یکتا

وسام زیبا - خوب رو - علامت - شعار

وسیم نیک منظر- جمیل - زیبا

وقاص جمگجو - گردن شکننده - کسی که چوب را می‌شکند و در آتش می‌اندازد

وَکیع رهرو - استوار - نیش زننده - مهار

ولید بنده - بچه کوچک - نوزاد

وَهَب هدیه - بخشش - عطا

یاسر نام صحابی - نرم - آسان

یحیی نام پیامبر - زنده شده - نعمت خدا داد

یزید نام صحابی - رشد - نمو

یسار نام صحابی - فراخی - آسانی - فراخی در نعمت - ثروت

یعقوب نام پیامبر - خلع ید کننده - پاشنه را می‌گیرد - کبک نر - اسب - جوی آب

یمان نام صحابی - اهل یمن - راست

یوسف نام پیامبر - زیاد کننده - افزاینده

یونس نام پیامبر - برگزیده خدا - خدا می‌دهد - کبوتر

نام‌های دختران:

اِبتسام خنده رو - خوشرو - تبسم - زیبا

اِبتهاج شادمانی - خوش و خرم - شاد شدن

آرزو امید - انتظار - میل

اَرمغان ره‌آورد - سوغات

اَروَى روایت کننده تر - سیراب تر- زن زیبا چهره - زن شریف و توانا

اِسراء حرکت در شب

اَسماء نام صحابی - نام نهادن - نیکو - زیبا - دارای شأن و مقام بزرگ و والا

آسیه اندوهگین - مهربان کننده - گیاه سبز - ستون

اَشرف شریف‌تر - والاتر - بزرگوارتر

اَعظم بزرگ - بزگوار

اکرم گرامی‌تر - بخشنده‌تر - بزرگوارتر

اِلهام آنچه خدا به دل افکند - در دل انداخته شده

اِلهام توفیق

اُمَامه نام صحابی -

اِمامه رهبر- پیشوا - رئیس

آمنه نام مادر پیامبر - مطمئن - مورد اعتماد - سالم

اَمیره دختر حاکم - رئیس - سرور

اُمَیمه نام صحابی - والده

اَمِینه نام صحابی - معتمد - راستگو - درستکار - صادق

اَنیسه همدم - همنشین - انس گیرنده

اُنَیسه نام صحابی - انس گرفته - مأنوس شده - مونس - مرغی تیز بین

آیدا یاری نمودن

بتول پاک - عابده - دوشیزه - پاکدامن - قاطع

بدریه زیبا مانند ماه - زیبا رو - ماه شب چهارده

بَریرَه نام صحابی - راه و طریق - یک میوه از پیلو

بُسره نام صحابی - نو - تازه - آفتاب وقت برآمدن

بشرى مژده دهنده - خبر خوش

بصیره زن زیرک - ماهر در امور - دانا - تیز خاطر - عاقل

بلقیس زنی زیرک و دانا که ملکه منطقه سبأ بود و نام او در قرآن آمده - باکره

بُنانه سرانگشت - باغ - علفزار

بهار زیبائی - بوی خوش - گیاه خوش بو - شادابی

بهاره منسوب به بهار - به عمل آمده در بهار

بهجه شاد و خنده رو - خوشحالی - نشاط

بَیضَاء نام صحابی - سفید - پاک و طاهر - زن سپید پوست - نعمت - قدرت

پرستو نوعی پرنده سفید و سیاه

ثُریا آسمان - نام ستاره‌ای - کثرت عدد

ثمینه گران قیمت - گرانبها - قیمتی

ثنیة مدح - ستایش - دامنه کوه - محل سربالایی کوه

ثُوَیبه نام صحابی - تصغیر ثوب به معنای لباس - گروه - گروه دلاوران

جَاریه نام صحابی - دختر جوان و کم سن و سال - کنیزک - خدمتکار

جَثّامه مهتر حلیم

جَمیل زیبا - نیکو روی - خوب - نیکو

جَمیله زن زیبا روی و نیکو خوی - نیکی - خوب - نیکو

جُوَیرِیه نام ام المؤمنین - تصغیر جاریه - کنیز - دوشیزه – خدمتکار- سفت و سخت

حَبیبه نام صحابی - مطلوب - مرغوب - محبوبه - دوست

حدیثة جدید - نو

حَسّانه بسیار نیکو و زیبا - زینت دهنده

حَسناء زیبائی که حسن و زیبائی آن آشکار است - بسیار نیکو- زیبا - خوب

حُسنى(حُسنا) مؤنث حسن - نیکی - زیبا - خوب

حصناء پارسا - عفیف

حَفصه نام ام المؤمنین - اسد - شیر

حَکیمه دانا و زیرک - استوار

حُکیمه دانا - زیرک کوچک

حَلیمه نام صحابی - دارای حلم و بردباری - پوشاننده - بردبار - عاقل

حَمنه نام صحابی - نوعی انگور - دانه‌های کوچک در میان دانه‌های بزرگ

حَمیده ستوده شده - بسیار حمد کننده - ستایش شده - پسندیده

حُمیراء نام صحابی - سفید - سرخ و سفید

حنان لطف - ترحم - نرم دل - بسیار مهربان - بخشاینده

حَنیفه پاک - ثابت قدم در دین - درست

حَواء نام صحابی - صدا - آواز

حَوّاء همسر آدم - باغ پر درخت - زندگی - متمایل به سیاه

خَالده نام صحابی - جاویدان - کوهی سخت

خَدیجه نام ام المؤمنین - متولد شده قبل کامل شدن از نه ماه

خَنساء نام صحابی - دارای ساق پای کوچک - ماده آهو

خَوله نام صحابی - آهوی ماده

ذکیه باهوش - تیز خاطر

رؤیا خواب - آنچه در خواب دیده شود - دیدن با چشم یا عقل

رائده پیام آور - راهنما - جوینده

رابعه چهارمی - مطمئن - زمین حاصل خیز - نیکو حال

راحله کوچ کننده

راحیل سفر کننده

راشده عاقل - راهنما - دیندار - متدین

راضیه قانع - راضی - پسندیده - خشنود

رأفت مهربانی - شفقت

رافعه بلند کننده - حمل کننده

راویه ناقل حدیث - روایت کننده

رَبیعه باغ - سنگ زور آزمایی

رجاء نام صحابی - امیدواری - امید - آرزو

رحیمه دل نرم - مهربان

رُقیه نام دختر پیامبر - مروارید درشت - مروارید آب دار

رَمله نام ام المؤمنین - ریگ - توده ریگ

رُمیثه نام صحابی - تکه چوب - افزون - باقی مانده شیران

رُمیحا نیزه - عصا

رُمیصا نام صحابی - نام ستاره‌ای - ایجاد کننده صلح

ریحانه گیاه خوشبو-گیای خوشبویی که در زمین نرم روید

زُبیبه دارای موی زیاد - نقطه سیاه - کشمش

زبیده نخبه - خلاصه هر چیز و بهترین آن - عطیه - بخشش - خامه

زعیمه کفیل - رئیس - رهبر

زلیخا پیش قدم - جای لغزیدن پا به لحاظ داشتن زیبایی زیاد

زمزم آب زیاد - جمع کردن اشیاء پراکنده - آهسته آهسته

زهراء سفید - درخشان - نورانی

زُهره نام سیاره‌ای درخشان

زیبا شایسته - لایق - زیبنده - جمیل

زَینب نام ام المؤمنین - پردل و شجاع - درختی خوش منظر و خوشبو - پاکیزگی و آراستگی

زینت زیور - آرایش

ژاله باران - شبنم

ساجده سجده کننده

سارا همسر پیامبر ابراهیم - خالص - پاک - ناب - بی‌ریا

سَاره همسر پیامبر ابراهیم - شاد و شاد کننده - امیر - منتخب

ساعده یاور - از اسامی شیر - مجرای آب که به دریا می‌ریزد

سالمه سالم - صحیح

سامره نام صحابی - همدم - سخنگو در شب

سامیة بلند مقام - عزیز

سحر اول صبح - کناره هر چیز

سحر سپیده دم - صبح

سُعاد خوشبخت

سعدیه برکت - سعادتمند - خوشبخت

سعیده نیک بخت - بهرمند

سَکینه آرامش - آهستگی - آسایش - شاد

سلمه نام صحابی - پاک از عیوب

سَلْمَى (سلما) نام صحابی - سالم - صحیح

سلیمه سالم از عیوب

سمانه آسمان - نام پرنده‌ای

سمیرا زن گندم گون

سمیره سخنگو در شب - همدم - زن گندم گون

سُمیه نام صحابی - بلندی - برتری

سَناء- سنا روشنی کمتر از نور و ضیاء - بلندی - شرافت

سنیه بلند مقام - درخشان

سَهله نام صحابی - نرم و آسان - خوش اخلاق

سُهیلا نرم - ملایم - آسان

سَوده نام ام المؤمنین - ثروت زیاد - نخلستان - بزرگ - سیاه رنگ - لمس شده

سُویده زن ظریف و نازک اندام

سیماء علامت و نشانه - چهره و قیافه - صورت

سیمین درخشان - سفید - زیبا

شریفه صاحب شرف - ارجمند - ارزشمند - بلند قدر

شِفاء نام صحابی - علاج - تندرستی

شفیعه شفاعت کننده - واسطه

شفیقه مهربان - رحیم

شَمسیه خورشید

شُمَیسه آفتاب کوچک

شهلا کسی که در چشمش سیاهی و کبودی باشد - دارای چشم سیاه رنگ - زیبا

شَیماء نام خواهر شیری پیامبر - خوش خلق و خوی - شهامت و عزت نفس - خالدار

صَالحه نیکوکار- پاک - پرهیزکار - شایسته

صبا ‎‎‎‎‎نسیم خنکی که از شرق می‌وزد - شوق و جوانی

صبیحه اول صبح

صدیقه بسیار راستگو

صفا پاکی

صَفیه نام ام المؤمنین - یک رنگ و صمیمی در دوستی - عزیز - خاص و گزیده

طاهره پاک از عیب و نقص و نجاسات

طیبه پاک - بخشنده - خوش اخلاق

عائده برگشت کننده - زیارت کننده

عائشه نام ام المؤمنین - زنده - گوارا - دارای زندگی نیک - زن نیکو حال

عابده عبادت کننده

عاتکه نام صحابی - بزرگمنش - کریم - پاک از هر بدی - امیر

عارفه دانا - آگاه

عاطفه دلسوز - رحیم - محبت - مهربانی - مهر

عالیه بلند مرتبه - عزت - بسیار خوب - دارای ارزش و اهمیت - والا

عَذرا دوشیزه - باکره - آشکار

عسل شیرین - دوست‌داشتنی - عسل

عَطیه نام صحابی - بخشیده شده - جایزه

عفراء ریگ سرخ - شب سپید - زمین دست نخورده - سفید

عفیفه پارسا - پرهیزگار - پاکدامن

غزاله آهو - آفتاب اول صبح

فائزه پیروز - موفق

فائقه پیروز- غالب - برتر

فَاخته نام صحابی - مرغی است معروف یا قمری

فاضله برتر - دارای فضل و کمال - پاک - نیکو

فَاطمه نام دختر پیامبر - بازداشته شده از شیرخوارگی - نگهدارنده خود از شهوات و گناهان

فتحیه پیروز - موفق - غالب

فرحانه خوشحال - شاد - مسرور

فردوس باغ و بستان سرسبز - بهشت

فَروه تاج - غنا و ثروت

فریده بی‌نظیر - نفیس – گران‌قیمت

فُریعه نام صحابی - شاخه - کمان - بلندمرتبه - مو بلند

فصیحه گویا - بلیغ - فصیح در بیان

فضیلة برتر- دارای زیبایی و اخلاق نیک

فهیمه دانا - عاقل - فهمیده

فوزیه پیروز - موفق - رستگار

کریمه نام صحابی - بخشنده - نیک خو

کلثُم پر گوشت رخسار

اُم‌کلثوم نام دختر پیامبر - پر گوشت رخسار و نیکو روی - بخشنده - مهتر - نهری در بهشت

کوثر خیر زیاد - نهری در بهشت - بزرگ زنان

کوکب ستاره - رئیس - سرکرده - نیک رو

لُبابه نام صحابی - خردمند - عاقل - منتخب و برگزیده - آرزو

لطیفه رحیم - شفیق

لَیلَى (لیلا) شب تاریک

ماجدة فاضل - شریف – سخاوت‌مند - دارای حسن خلق - بزرگوار

مَاریه نام ام المؤمنین - زن سفید و درخشان - درخشنده

مازنة زیبا رو - ابر باران آور

محبوبه دوست داشتنی - مطلوب - مورد محبت

محسنه نیکو کار - زینت دهنده - آراسته - زیبا

محفوظه حفظ شده

مدیحه بسیار ستوده شده

مرجان گوهر سرخ رنگ

مَرجانه مروارید - لؤلؤ

مرضیه راضی شده - اطاعت شده - پسندیده

مَریم نام مادر پیامبر عیسی - بلندی - گرمای دریا - پارسا - گلی خوشبو

مژده بشارت - خبر خوش

مستوره پوشیده - عفیف - پاکدامن

معاذه حفظ شده - پناه جو

مُنّوَر درخشان - روشن - نورانی

مُنى ( منا) آرزو - هدف - مقاصد

مُنیره روشن - نورانی - درخشان - آشکار

مهدیه هدایت شده

مَیمُونه نام صحابی - مبارک - موفق - پیروز - آسان

مینا جواهر - آینه - نام پرنده‌ای - گلی زینتی

مینو فردوس - بهشت - روان

ناجحه پیروز - بلند مرتبه

ناجده بلند مرتبه - پیروز - آشکار - یاری دهنده - روشن کننده

ناجیه پیروز - موفق - سالم - رستگار - نجات دهنده

نادیه بخشنده - شبنم - ندا دهنده

نازنین لطیف - ظریف - بسیار دوست داشتنی - زیبا - با ارزش - گرامی

ناصحه مرشد - راهنما - دلسوز

ناهده شیر بیشه - بلند - مرتفع

ناهید نام ستاره‌ای

نبیله نیکو صورت - شریف - نجیب - زیرک

نجمه ستاره - کوکب

نجیبه زیرک - بخشنده - شریف و گرامی - پارسا - ستوده شده

ندى (ندا) باران - شبنم - جود و کرم - صدا

ندیه کریم و سخاوتمند - تازه

نرگس نام گلی

نسترن نام گلی

نسرین نام گلی

نَسیبه دارای حسب و نسب - شریف

نُسیبه نام صحابی - دارای حسب و نسب - شریف

نُصرت یاری – خوبی - پیروزی - موفقیت - یاری کردن

نَصرَه یاری - کمک - تأیید - باران تام

نضره شمش طلا - نعمت - ثروت - زیبایی

نعمه فراخی - آسودگی در زندگی - آسودگی

نعیمه نعمت - رفاه - مقام - خوشی

نفیسه لطیف - گرانمایه - نادر - ارجمند

نوره نور - سفیدی - روشنایی

هاجر نام همسر پیامبر ابراهیم÷ - درختی خوشبو و زیبا - فاضل بر دیگران - لایق - مهاجر

هادیة راهنما - مرشد

هَاله نام صحابی - آرام - خرمن ماه - زیبا

هانیه هدیه - خوشحال - آسان - شادمان - خوشبخت

هُدى راهنما - استقامت - صلاح - هدایت - راه راست

هُما فرخنده - نام پرنده‌ای

هِند نام صحابی - گله شتران

هنیه شاد - خوشبخت

وائله پناه گیرنده

واثله جمع نمودن ثروت - رشد مال

وحیدة بی‌نظیر - نادر - یکتا

وسام علامت - نشان

وفا پایدار در قول و قرار - دوستی - رفاقت

وفاق مناسب

یاسمین نوعی گل - گلی خوشبو

یسرَى (یسرا) بهشت - آسانی - چپ

یمنى (یمنا) مبارک - راست